

تاریخ پنهان آیه چهل — شماره شانزده

وای دوم — بخش سوم

Jeff Pippenger

2026-06-18

منطق جونز

منطق جونز مبنی بر این که فرشته اول مکاشفه چهارده را نمی‌توان از دو فرشته پس از آن جدا ساخت، کاملاً استوار است. تشخیص او از پیوند ساختاری آن سه فرشته با فرشتگان شیپورها به کلی بی‌خلل است. بی‌تردید تأکید او بر سه فرشته مکاشفه چهارده بود، اما منطق به کاربرد آنان به عنوان «جدایی‌ناپذیر»، به همان اندازه در مورد همه فرشتگانی که پیش از ایشان آمده بودند نیز معتبر است.

از آنجا که او بر سه فرشته مکاشفه چهارده تمرکز کرده بود، منطق خود را تا نتیجه نهایی آن دنبال نکرد. در نهایت، منطقی که او برای مرتبط ساختن شیپورهای وای پنجم، ششم و هفتم با سه فرشته مکاشفه چهارده به کار برد، متضمن آن نیز بود که خط شیپورها را تا نخستین هفت فرشته شیپور به تمامی به عقب بازگرداند.

و من آن هفت فرشته را که در حضور خدا ایستاده بودند دیدم؛ و به ایشان هفت کرنا داده شد. ... و آن هفت فرشته که هفت کرنا داشتند، خود را مهیا ساختند تا بنوازند. مکاشفه ۸:۲، ۶

سلسله فرشتگان با فرشتگان «هفت» شیپور آغاز می‌شود، و خط فرشتگان در مکاشفه از نخستین شیپور تا هشدار فرشته سوم درباره نشان وحش امتداد می‌یابد. جونز در تشخیص تمایزی میان چهار شیپور نخست و سه شیپور وای آخر درست می‌گوید، زیرا آن ساختار نبوی «چهار و سه» در کلیساها و مهرها نیز یافت می‌شود. استوار بودن این امر بر سه شاهد در کتاب مکاشفه به کسانی که برگزیده‌اند ببینند، مجال می‌دهد که دریابند آن هفت، به عنوان یک نماد، همچنین چهار را به عنوان یک نماد و سه را به عنوان یک نماد در بر دارد.

پیوندی الهی

آنچه در گذشته اخیر بدان اشاره کرده‌ایم این است که فرشته اول و دوم مکاشفه چهارده به واسطه یک نبوت زمانی درباره اسلام، یعنی وای اول و دوم، نیرو می‌یابند، و اینکه توانمندسازی فرشته سوم با تحقق وای سوم در 11/9 انجام می‌پذیرد. آنچه کاربست جونز مشخص می‌سازد، (هرچند او مقصود مرا بیان نکرد) این است که هر فرشته، از نخستین فرشته شیپور مکاشفه هشت تا شیپور وای سوم مکاشفه یازده، به گونه‌ای جدایی‌ناپذیر با سه فرشته مکاشفه چهارده پیوند دارد. آنان نمادهایی در درون همان خط نبوی هستند. برای درک نقش‌های گوناگونی که هر یک از این فرشتگان نمایندگی می‌کنند، باید ایشان را بدین‌گونه بازشناخت. بنابراین، همان‌گونه که هفت کلیسا، مهرها و شیپورها نمایانگر عدد هفت‌اند، و نیز در درون نمادپردازی کلی هفت، نماد چهار و سه را نیز نشان می‌دهند (کلیساها، مهرها و شیپورها)؛ خط فرشتگان، از نخستین هفت فرشته شیپور تا فرشته سوم، باید به عنوان یک کل در نظر گرفته شود. این امر خطی از یازده فرشته را مشخص می‌سازد.

سه فرشته مکاشفه چهاردهم، نمایانگر پیام هشداردهنده میلی‌ها هستند که گشایش داوری را اعلام کردند، و پس از آن، پیام هشداردهنده یکصد و چهل و چهار هزار را که اختتام داوری را اعلام می‌کند.

هفت شیپور نمایانگر قدرت‌هایی هستند که خدا به‌طور مشیت‌آمیز به‌کار گرفت تا داوری را بر ملت‌هایی فرود آورد که پرستش خورشید را تحمیل می‌کردند.

چهار شیپور نخست، زوال تدریجی روم غربی را تا سال 427 مشخص می‌کنند.

پنجم و ششم، زوال روم شرقی را از ۱۴۴۹ تا ۱۴۵۳ مشخص می‌کنند.

سه شیپور آخر، اسلام سه‌وای را نمایندگی می‌کنند.

فرشته مذکور در مکاشفه ده، مسیح است که در آغاز فرود می‌آید تا به این جنبش قدرت بخشد، و در مکاشفه هجده نیز بار دیگر فرود می‌آید تا در پایان به این جنبش قدرت بخشد.

شیپور هفتم در ۲۲ اکتبر ۱۸۴۴، هم‌زمان با آغاز داوری‌ای که یوم کفاره نمادِ مقابل بود، به صدا درآمد. شیپور یوبیل می‌بایست در یوم کفاره نواخته شود. بنابراین، در داوری دو شیپور به صدا درمی‌آیند: شیپور یوبیل و شیپور هفتم.

آنگاه در روز دهم ماه هفتم، کرنای یوبیل را به صدا درآور؛ در روز کفاره، کرنا را در سراسر تمامی سرزمین خود بنوازید. و سال پنجاهم را تقدیس نمایید و در تمامی آن سرزمین، برای همه ساکنانش آزادی را اعلام کنید؛ آن برای شما یوبیل باشد، و هر کس به ملک خویش بازگردد، و هر کس به خاندان خود بازگردد. آن سال پنجاهم برای شما یوبیل باشد؛ در آن نه بکارید، و نه آنچه را که خود به خود در آن می‌روید، درو کنید، و نه انگور تاکِ هرس‌نشده خود را در آن جمع‌آوری نمایید. لاویان 25:9-11.

سیاقی که پراکندگی اسرائیل را برای «هفت زمان» - که در فصل بعدی لاویان آمده است - مشخص می‌سازد، در آیاتی بیان شده است که به دستور نواختن شیپور یوبیل در روز کفاره منتهی می‌شود.

با بنی اسرائیل سخن بگو و به ایشان بگو: چون به زمینی که من به شما می‌دهم داخل شوید، آن‌گاه آن زمین برای خداوند سبتی را نگاه خواهد داشت. شش سال مزرعه خود را بکار، و شش سال تاکستان خود را هرس کن و محصول آن را جمع‌آوری نما؛ اما در سال هفتم، برای زمین سبت آرامی خواهد بود، سبتی برای خداوند: نه مزرعه خود را بکار و نه تاکستان خود را هرس کن. آنچه از محصول تو خودبه‌خود روییده است، درو مکن، و انگورهای تاکِ هرس‌نشده خود را جمع مکن، زیرا آن سال، سال آرام برای زمین است. و سبت زمین برای شما خوراک خواهد بود: برای تو، و برای غلامت، و برای کنیزت، و برای مزدورت، و برای غریب تو که نزد تو اقامت دارد؛ و برای چارپایانت، و برای وحوشی که در زمین تو هستند، تمامی محصول آن، خوراک خواهد بود. و برای خود، هفت سبت سال‌ها را بشمار، یعنی هفت بار هفت سال؛ و مدت هفت سبت سال‌ها برای تو چهل و نه سال خواهد بود. لاویان 25:2-8.

هنگامی که میلر در باب بیست‌وششم داوری بر اسرائیل را به سبب شکستن استراحت سبت زمین تشخیص داد، اصل «هر روز نمایانگر یک سال است» را به کار برد و دریافت که یک سال سیصد و شصت روز است، و اینکه هفت ضرب در سیصد و شصت، دو هزار و پانصد و بیست سال مجازات برای شکستن عهد بود. این نخستین حقیقت نبوی‌ای بود که او کشف کرد. این، شالوده حقیقی است که بنیاد بناشده به‌وسیله مسیح را از طریق کار میلر تشکیل دادند. کرنای یوبیل اعلام رهایی و آزادی است.

شیپور هفتم، اسلام وای سوم است.

بلکه در ایام صدای فرشته هفتم، هنگامی که آغاز به نواختن کند، سر خدا به انجام خواهد رسید، چنان‌که آن را به بندگان خود، انبیا، اعلام فرموده است. مکاشفه ۱۰:۷

شیپور هفتم اسلام حقیقت نبوی بیرونی است، و شیپور یوبیل حقیقت نبوی درونی آمرزش به واسطه ایمان است—رهایی از گناه، که بنا بر گفته خواهر وایت، همان فرشته سوم در حقیقت است. در دوره‌ای که شیپور هفتم به صدا درمی‌آید، سر «مسیح در شما، امید جلال» به کمال خواهد رسید، آنگاه که مسیح الوهیت خویش را با انسانیت یکصد و چهل و چهار هزار تن متحد می‌سازد. آنان که سپس مهر خدا را دریافت می‌کنند، پیامی شیپورگونه از هشدار را اعلام خواهند کرد که به صورت وای سوم، و نیز هشدار فرشته سوم، به تصویر کشیده شده است. وای سوم پیام فرشته سوم را توان می‌بخشد، هنگامی که آن فرشته که کسی جز خود عیسی مسیح نیست، با پیامی در دست خویش فرود می‌آید.

هنگامی که تشخیص می‌دهیم که این نبوت زمانی وای اول و دوم بود که پیام فرشته اول را قدرت بخشید، و نبوتی از وای سوم است که پیام فرشته سوم را قدرت می‌بخشد، در واقع شیپورها را به منزله «داوری‌هایی که در پاسخ به اجرای اجباری یکشنبه بر روم وارد شد» شناسایی می‌کنیم. این داوری‌های عنایتی، به‌ویژه سه شیپور وای آخر، با پیام هشدار سه فرشته مکاشفه چهارده همسو و موازی هستند. دو وای و دو فرشته در تاریخ میلری، و وای سوم و فرشته سوم در تاریخ یکصد و چهل و چهار هزار. در تاریخ آغازین فرشته اول و دوم، پیام گشایش داوری به واسطه تحقق اسلام وای اول و دوم قدرت یافت. در تاریخ پایانی فرشته سوم، پیام اعلام‌کننده اختتام داوری به واسطه تحقق اسلام وای سوم قدرت یافت.

توانمندسازی در آغاز و انجام، به‌وسیله فرشته مکاشفه ده و هجده نمایان شد، «که کسی جز عیسی مسیح نبود». پیام بیرونی اسلام و پیام درونی داوری، وای سوم بیرونی شیپور است، و پیام درونی داوری، شیپور فرشته سوم است. شیپور بیرونی اسلام، نبوت دو هزار و پانصد و بیست سال است، و شیپور درونی فرشته سوم، دو هزار و سیصد سال است. هر دو در آغاز داوری مردگان فرا رسیدند و به صدا درآمدند، و هر دو بار دیگر در آغاز داوری زندگان فرا رسیدند.

فرشته مکاشفه ده در ۱۱ اوت ۱۸۴۰ در تحقق نبوت اسلام فرود آمد، و بدین‌وسیله آن فرشته، فرود فرشته مکاشفه هجده را با تحقق نبوتی از اسلام به‌طور نمادین پیش‌نمایی کرد. داوری خدا بر عصیان قانون یکشنبه در ۳۲۱، و سپس بار دیگر در ۵۳۸، به‌وسیله شش کرنای نخست نمایانده شده است، و داوری او برای عصیان قانون یکشنبه که به‌زودی خواهد آمد، به‌وسیله کرنای هفتم نمایانده می‌شود، که همان وای سوم و نیز فرشته سوم است. پیام هشدار آغاز داوری در ۲۲ اکتبر ۱۸۴۴ و پیام هشدار داوری زندگان در ۹/۱۱، هر دو به‌واسطه فرشته هفتم در آن توالی‌ای که جونز بیان کرد، توانمند شدند. شش فرشته کرنا در فصل‌های هشت و نه، سپس در فصل ده آن فرشته فرود می‌آید که کسی کمتر از خود عیسی مسیح نیست. او هفتمین در توالی فرشتگان است، و در فصل یازده وای سوم در پی او می‌آید، که همان کرنای هفتم است که در ۱۸۴۴ آغاز به نواخته‌شدن کرد، اما در سلسله فرشتگانی که به فرشته نهم، دهم و یازدهم مکاشفه چهارده منتهی می‌شوند، هشتمین است.

پیام فرشته سوم را نمی‌توان از پیام‌های فرشته اول و دوم جدا ساخت؛ اما همچنین نمی‌توان آن را از هفت شیپور داوری خدا بر ارتداد منفک کرد. چهار شیپور نخست داوری در باب هشتم مکاشفه، زوال تدریجی روم غربی را پس از نخستین قانون یکشنبه قسطنطین در سال ۳۲۱ مشخص می‌سازند، و این روند با تقسیم امپراتوری به شرق و غرب به دست او در سال ۳۳۰ آغاز شد.

«هنگامی که ملت ما، در شورا‌های قانون‌گذاری خویش، قوانینی وضع کند تا وجدان‌های مردم را در خصوص امتیازات دینی‌شان مقید سازد، نگه‌داشت یکشنبه را به اجرا درآورد، و قدرتی ستمگرانه را بر ضد کسانی به کار گیرد که سبت روز هفتم را نگاه می‌دارند، شریعت خدا، از هر حیث و مقصود، در سرزمین ما باطل شمرده خواهد شد؛ و ارتداد ملی به دنبال خود تباهی ملی را خواهد آورد.» Review and Herald، 18 دسامبر 1888.

اصل ارتداد ملی که ویرانی ملی را در پی می‌آورد، از طریق چهار شیپور نخست بر ملت کنستانتین جاری شد؛ همان شیپورهایی که روم غربی را تا سال ۴۷۶ به پایان رساندند. روم شرقی در سال ۱۴۵۳ به پایان خود رسید، هرچند از نظر نبوتی در ۲۷ ژوئیه ۱۴۴۹ حاکمیت ملی خود را از دست داده بود. برخلاف بابل که در یک شب سرنگون شد، روم، چه غربی و چه شرقی، به تدریج به پایان خود رسانیده شد. زوال روم غربی تحت چهار شیپور نخست تا سال ۴۷۶، نمودار زوال ایالات متحده تحت چهار شیپور است؛ امری که در یک سطح، نمایانگر چهار نسل ایالات متحده است که در ۱۷۹۸ آغاز می‌شود و به قانون یکشنبه ختم می‌گردد. آن چهار نسل با چهار نسل ادونتیسیم موازی‌اند؛ همان‌ها که با چهار کلیسای نخست مکاشفه ۲، و با چهار رجاست فزاینده حزقیال باب ۸، و با چهار موج ملخ‌ها در کتاب یوئیل نیز موازی‌اند.

زیرا خداوند بیهوه چنین می‌فرماید: پس چه بسیار بیشتر آنگاه که چهار داوری سخت خویش را بر اورشلیم بفرستم، یعنی شمشیر و قحطی و حیوانات مودی و وبا، تا انسان و حیوان را از آن منقطع سازم! حزقیال ۲۱:۱۴.

شیپورهای پنجم و ششم، روم شرقی را ساقط کردند؛ و روم شرقی، در نسبت نبوی با روم غربی، نمایانگر حکومت است. روم غربی نمایانگر کلیساست. روم غربی همچنین نمایانگر ایالات متحده است که همانند روم غربی، نخست مغلوب می‌شود.

«هنگامی که آمریکا، سرزمین آزادی دینی، با پایت در واداشتن وجدان و مجبور ساختن مردم به تکریم سبت کاذب متحد شود، مردم هر کشوری بر سراسر کره زمین به پیروی از نمونه او سوق داده خواهند شد.» Testimonies, جلد 6, ص. 18.

چهار شیپور نخست، نمایانگر چهار نسل تاریخ آمریکا هستند، و هنگامی که ایالات متحده سقوط می‌کند، سرزمین پر جلال آیه چهل و یک دانیال یازده تازه سقوط کرده است، و مانع بعدی مصر است، که نمادی از باقی ملت‌های جهان می‌باشد. سپس سازمان ملل متحد، که همان ده پادشاه هستند، موافقت می‌کنند که پادشاهی هفتم خود را به پایت بسپارند، زیرا در مکاشفه هفده آمده است: «برای مدتی کوتاه—یک ساعت». این امر در جشن تولد هیروودیس رخ می‌دهد، آنگاه که او نیمی از پادشاهی خود را وعده می‌دهد. در جشن تولد هیروودیس، در همان ساعت، نوشته بر گچ دیوارها ظاهر می‌شود، و بیلشصر کشته می‌شود. آن ساعت با قانون یکشنبه فرا می‌رسد و تا پایان مهلت آزمایش بشر ادامه می‌یابد. پادشاهی هفتم مغلوب می‌گردد، چنان‌که به طور نمادین در ویرانی دیوارهای قسطنطنیه که در ۱۴۵۳ فرو ریختند، به تصویر کشیده شده است. از قانون یکشنبه در ایالات متحده، چنان‌که در ۱۴۴۹ به طور نمادین نشان داده شده است، تا سقوط قسطنطنیه در ۱۴۵۳، چهار سال نمادین است. پایت در ۱۷۹۸ زخم مهلک خود را دریافت کرد.

در دانیال باب یازدهم، آیه چهل، پایت در سال ۱۷۹۸، در زمان آخر، سقوط کرد. سپس پادشاه جنوب در سال ۱۹۸۹، در زمان آخر، سقوط کرد. ایالات متحده در آیه چهل و یک سقوط می‌کند، و مصر در آیه چهل و دو سقوط می‌کند، و پایت در آیه چهل و پنج به دومین و آخرین سقوط خود می‌رسد.

«از طلوع و سقوط ملت‌ها، چنان‌که در کتاب‌های دانیال و مکاشفه آشکار شده است، باید بیاموزیم که جلال صرفاً ظاهری و دنیوی تا چه اندازه بی‌ارزش است. بابل، با تمامی قدرت و شکوهش، که جهان ما هرگز از آن پس همانندش را ندیده است—قدرت و شکوهی که در نظر مردم آن روزگار بسی استوار و پایدار می‌نمود—تا چه اندازه به کلی از میان رفته است! همچون «گل علف» هلاک شده است. یعقوب ۱۰:۱. پادشاهی ماد و پارس، و نیز پادشاهی‌های یونان و روم نیز پدین‌سان هلاک شدند. و به همین‌گونه، هر آنچه خدا را بنیاد خویش ندارد، نابود می‌شود. تنها آنچه با مقصود او پیوند یافته و شخصیت او را بیان می‌کند، می‌تواند پایدار بماند. اصول او تنها امور

استواری هستند که جهان ما می‌شناسد.» انبیا و پادشاهان، ۵۴۸.

سقوط ایالات متحده (نبی کاذب) در آیهٔ چهل و یک به وسیلهٔ ۱۴۴۹ نمونه‌وار نشان داده شد، و سقوط مصر (اژدها) در آیهٔ چهل و دو به وسیلهٔ ۱۴۵۳ نمونه‌وار نشان داده شد، و پاپیت (وحش) به انجام خود می‌رسد و یآوری برایش یافت نمی‌شود، چنان‌که ۱۷۹۸ به‌طور نمونه‌وار آن را نشان می‌دهد. نبی کاذب و اژدها به دست قدرت‌های شیپور به زیر افکنده می‌شوند، و وحش به دست یک قدرت اژدهایی ساقط می‌شود.

عدهٔ چهار، نماد فروپاشی یک پادشاهی است. پادشاهی اسکندر به چهار پادشاهی تجزیه شد، و مصر در دریای سرخ در نسل چهارم سرنگون گردید، و اسرائیل در چهارمین رجاست حزقیال هشت در برابر خورشید سجد می‌کند. چهار نسل پروتستان‌تیسیم و جمهوری خواهان در وحش زمینی در سال 1798 آغاز شد و برای هر دو شاخ، در قانون یکشنبه‌ای که به‌زودی خواهد آمد پایان می‌یابد. چهار دآوری سخت حزقیال بر اورشلیم، چهار دآوری بر ایالات متحده را به تصویر می‌کشد، و آن چهار دآوری بر ششمین پادشاهی نبوت کتاب مقدس، نمونه‌وار دلالت دارد بر چهار سال از 1449 تا 1453 که در آن هفتمین پادشاهی نبوت کتاب مقدس موافقت می‌کند که نیمی از پادشاهی خود را در یک رابطه کلیسا و دولت که فاحشه‌صویر بر آن فرمان می‌رانند، به پاپیت واگذارد.

چهار سال ۱۴۴۹ تا ۱۴۵۳، زوال پادشاهی هفتم را در هنگام قانون یکشنبه نمایندگی می‌کند، و نیز دورهٔ زوال پادشاهی هشتم را از قانون یکشنبه تا بسته شدن زمان آزمایش نمایان می‌سازد. فتح مصر، که هم جهان است و هم اژدهایی که به پاپیت داده می‌شود، در آغاز دوره‌ای که به وسیلهٔ آن چهار سال ۱۴۴۹ تا ۱۴۵۳ نمادپردازی شده است، یک فراکتال است. این امر سقوط قسطنطنیه را در هنگام قانون یکشنبه، و سپس بار دیگر هنگامی که میکائیل برمی‌خیزد، مشخص می‌سازد. هنگامی که میکائیل برمی‌خیزد، بنابر الهام، آن چهار فرشته به‌طور کامل رها می‌شوند.

«دیدم که آن چهار فرشته، چهار باد را نگاه خواهند داشت تا کار عیسی در قُدس به انجام رسد، و آنگاه هفت بلای آخر خواهد آمد.» Early Writings, 36.

چهار بخش پادشاهی اسکندر، چهار شیپور بر روم غربی، چهار باد رها شده بر روم شرقی، چهار دآوری سخت بر اورشلیم، چهار باد رها شده هنگامی که پاپیت به پایان خود می‌رسد و هیچ‌کس برای یاری‌اش نیست. با در نظر داشتن این نمادهای نبوی عرضه شده، وای دوم را در چارچوب انطباق آن بر قانون یکشنبه‌ای که به‌زودی خواهد آمد بررسی خواهیم کرد.

شورای فلورانس

در سال ۱۴۳۹، در شورای فلورانس (که «اتحاد فلورانس» نیز نامیده می‌شود)، نمایندگان کلیسای ارتدوکس شرقی (به رهبری امپراتور بیزانسی، یوحنا هشتم پالایولوگوس، و پاتریارک قسطنطنیه) فرمانی رسمی برای اتحاد با کلیسای کاتولیک رومی را امضا کردند. آنان موافقت کردند که پاپ روم را به‌عنوان رئیس (مرجع اعلی) تمامی کلیسا معرفی کنند.

زیرا شوهر، سر زن است، چنان‌که مسیح نیز سر کلیساست؛ و او نجات‌دهندهٔ بدن است. افسسیان ۵:۲۳.

اعتقادنامهٔ نیقیه

امپراتور و پاتریارک «عبارت فیلیوکوه» را در اعتقادنامهٔ نیقیه پذیرفتند؛ عبارتی که افزوده‌ای بر اعتقادنامهٔ نیقیه بود و مدعی بود که روح‌القدس از پدر و از پسر صادر می‌شود. اعتقادنامهٔ نیقیه یکی

از مهم‌ترین و پرکاربردترین بیانات در تاریخ ایمان کاتولیکی است. اعتقادنامه نیکیه خلاصه‌ای رسمی از باورهای بنیادین کاتولیکی است. این اعتقادنامه در اصل برای دفاع از حقیقت هویت عیسی مسیح نوشته شد. در سال ۳۲۵، مناقشه‌ای بزرگ پدید آمد، زیرا کشیشی به نام آریوس تعلیم می‌داد که عیسی به وسیله خدای پدر آفریده شده است و به تمامی خدا نیست.

امپراتور کنستانتین، نخستین شورای نیکیه را برای حل و فصل این مسئله فراخواند. شورا با قاطعیت تأیید کرد که عیسی کاملاً خداست، «هم‌جوهر» با پدر. این اعتقادنامه بعدتر در شورای قسطنطنیه در سال ۳۸۱ بسط داده شد. در اینجا باید توجه داشت که اعتقادنامه نیکیه در تاریخ کنستانتین اول تثبیت شد، و برای واپسین کنستانتین، یعنی کنستانتین یازدهم، که آخرین امپراتور امپراتوری شرقی بیزانس بود، به مسئله‌ای بدل می‌شد. کنستانتین کبیر، که نخستین بود، مکرراً در مقام موضوعی در نبوت کتاب مقدس مطرح می‌شود. او فرمانروا در آغاز امپراتوری شرق است و از این‌رو نمونه‌ای از فرمانروا در پایان امپراتوری شرق به شمار می‌آید. این واقعیت که اعتقادنامه نیکیه عنصری از هر دو تاریخ آغاز و پایان است، اگر دانشجوی نبوت اصل آلفا و امگا را درک کند، باید مورد توجه او قرار گیرد.

در سال ۳۸۱، اعتقادنامه نیکیه با آموزه برزخ، آموزه عشای ربانی، همراه با پذیرش استفاده از نان فطیر برای عشای ربانی، که رسمی لاتینی بود، به روزرسانی شد. اعتقادنامه ۳۸۱ همچنین درک کاتولیکی از گناه نخستین و حیات پس از مرگ را پذیرفت. این اعتقادنامه با این عبارت کلیدی پایان می‌یافت: «ما نیز تعریف می‌کنیم که کرسی مقدس رسولی و پاپ روم بر تمام جهان دارای تقدم است و نایب حقیقی مسیح است.»

در شورای فلورانس، نسخه به‌روزشده دیگری در ۶ ژوئیه ۱۴۳۹، یعنی ۱۴ سال پیش از آن که قسطنطنیه در ۱۴۵۳ به دست ترکان عثمانی سقوط کند، به امضا رسید. این اتحاد زیر فشار سنگین سیاسی به امضا رسید. امپراتوری بیزانس برای دریافت کمک نظامی از غرب در برابر عثمانیان در حال پیشروی، به شدت درمانده بود. هنگامی که نمایندگان یونانی به سرزمین خود بازگشتند، این توافق با مخالفت شدید اکثریت روحانیان، راهبان، و مردم عادی در شرق روبه‌رو شد. بیشتر اسقفانی که آن را امضا کرده بودند، بعدها حمایت خود را پس گرفتند. این اتحاد هرگز به‌طور کامل اجرا نشد و در سال‌های بعد، از سوی کلیسای ارتدکس شرقی رسماً مردود اعلام گردید. تا زمانی که قسطنطنیه در ۱۴۵۳ سقوط کرد، این اتحاد عملاً از پیش فروپاشیده بود. تاریخ‌نگاران غالباً آن را اتحادی سیاسی توصیف می‌کنند که به سبب مقاومت عمیق الهیاتی، فرهنگی، و مردمی ناکام ماند.

در نخستین شورای نیکیه در سال ۳۲۵، اعتقادنامه نیکیه پذیرفته شد. این رویداد پنج سال پیش از سال ۳۳۰ قرار دارد؛ همان زمانی که ۳۶۰ سال دانیال باب یازدهم، آیه بیست‌وچهار، که به صورت یک «زمان» نمود یافته است، به پایان رسید.

او حتی بر حاصلخیزترین نواحی ولایت به آرامی داخل خواهد شد؛ و آنچه را نه پدرانش کرده‌اند و نه پدران پدرانش، او به‌جا خواهد آورد؛ غنیمت و یغما و اموال را در میان ایشان پخش خواهد کرد؛ آری، تدابیر خود را بر ضد دژهای استوار طرح خواهد نمود، اما تا مدتی. دانیال ۱۱:۲۴.

سال ۳۱ پیش از میلاد و سال ۳۳۰ هر دو «وقت معین» مذکور در آیات بیست‌وهفت و بیست‌ونهم دانیال یازدهم را مشخص می‌کنند.

و دل هر دوی این پادشاهان بر بدی خواهد بود، و بر یک سفره دروغ خواهند گفت؛ اما این کامیاب نخواهد شد، زیرا پایان هنوز در وقت معین خواهد بود. ... در وقت معین بازخواهد گشت و به سوی جنوب خواهد آمد؛ اما این بار نه مانند اول خواهد بود و نه مانند آخر. دانیال ۱۱:۲۷، ۲۹.

آغاز (330) و پایان (1449-1453) خط نبوی روم شرقی با نخستین و آخرین امپراتور قسطنطین نمایانده شده است. آلفا و اومگا خط نبوی روم شرقی، که امپراتوری بیزانس نامیده می‌شود، با پایان سیزده و شصت سال روم امپراتوری که از نبرد آکتیوم در 31 ق.م. تا سال 330 به طور مطلق فرمان می‌راند، و سپس تا 1453 ادامه یافت، مرتبط است. پیش از نبرد آکتیوم در 31 ق.م.، مارک آنتونی و آگوستوس سزار بر سر یک میز دروغ گفتند که کامیاب نگردید. پیش از سال 330، در 325، اعتقادنامه نیکیه پذیرفته شد. پیش از سال 1453، نسخه به‌روزشده همان اعتقادنامه نیکیه پذیرفته شد. پیش از 31 ق.م.، دو شخصیت سیاسی بر سر یک میز دروغ گفتند. در 325، دروغ‌های روحانی بر سر یک میز گفته شد. آن دو شاهد، دروغ‌های سیاسی و روحانی را که در 1439 در شورای فلورانس پذیرفته شد، مشخص می‌سازند. آن اعتقادنامه نیکیه به‌روزشده «فرمان اتحاد» نامیده شد.

نخستین نشانه راه «دروغ‌ها بر یک سفره» پیش از 31 BC پدید آمد، و میان دو جناح سیاسی روم بت‌پرست بود. زمان معین آن دروغ‌ها 31 BC بود، و شامل آگوستوس، به‌عنوان نماد روم، در برابر اتحادیه‌ای از یک مرد و یک زن بود که نماینده مصر بودند. دومین مجموعه دروغ‌ها 325 بود، و زمان معین آن 330 بود. سومین مجموعه دروغ‌ها در 1439 بود، و زمان معین آن 1449-1453 بود. آنان که در 1439 بر سر آن سفره بودند نماینده روم غربی و روم شرقی بودند، و روم شرقی با موافقت با یک استدلال دینی، در پی هدفی سیاسی بود. 31 BC، و پس از آن 330 و سپس 1453، نمایانگر کاربردی سه‌گانه از خط روم هستند.

تهدید سیاسی اتحاد مارک آنتونی و کلئوپاترا، نمادی از تهدید روحانی بدعت آریانی در سال ۳۲۵ بود، که آن نیز به نوبه خود نمادی از تهدید سیاسی و مذهبی ترکان اسلامی در سال ۱۴۳۹ بود.

تعالیم اعتقادنامه نیکیه دروغ‌اند و هیچ حقیقتی در آن‌ها نیست. سندی که در ۶ ژوئیه ۱۴۳۹ در شورای فلورانس امضا شد، «فرمان اتحاد» نامیده می‌شد و همان دروغ‌ها و حتی بیشتر را باز می‌نمود. هنگامی که نمایندگان در سال ۱۴۳۹ به قسطنطنیه بازگشتند، با خشم و اتهام خیانت روبه‌رو شدند. این گفته بر سر زبان‌ها افتاد: «عمامة ترک از میتر پاپ بهتر است.»

این اتحاد عمدتاً بدان سبب امضا شد که امپراتور بیزانس به طرز نومیدانه به یاری نظامی غرب علیه عثمانیان نیاز داشت. هنگامی که آشکار شد کمک نظامی بسیار اندکی - یا هیچ - در راه نیست، حمایت از این اتحاد از میان رفت. در سال‌های ۱۴۵۰-۱۴۵۱، چندین شورای محلی شرقی این اتحاد را رد کردند، و پس از سقوط قسطنطنیه در ۱۴۵۳، این اتحاد به کلی ترک شد. سرانجام نهایی فرمان اتحاد فلورانس از سوی کلیسای ارتدوکس شرقی به منزله شورایی ناکام و مردود تلقی می‌شود. این شورا معتبر شناخته نمی‌شود. با این حال، کلیسای کاتولیک رومی همچنان آن را شورایی معتبر و جهان‌شمول می‌داند.

ما منطق را برای درک این امر بنا می‌نهمیم که چگونه ویژگی‌های نبوی وای دوم در تاریخ وای سوم تکرار می‌شوند. نبوت یکصد و پنجاه‌ساله وای اول در 27 ژوئیه 1299 آغاز شد و در 27 ژوئیه 1449 به پایان رسید.

۱۴۴۹

کنستانتین یازدهم پالایولوگوس در سال ۱۴۰۴ زاده شد و از ژانویه ۱۴۴۹ تا ۲۹ مه ۱۴۵۳ سلطنت کرد. او واپسین امپراتور امپراتوری روم شرقی (بیزانس) بود؛ امپراتوری‌ای که بیش از ۱۱۰۰ سال دوام آورده بود. او در جریان محاصره عثمانی در سال ۱۴۵۳، با تنها حدود ۷۰۰۰ تا ۸۰۰۰ مدافع، در برابر سپاه ۸۰,۰۰۰ نفری و بیشتر محمد دوم، شجاعانه رهبری دفاع از قسطنطنیه را بر عهده داشت. او در ۲۹ مه ۱۴۵۳، هنگامی که قسطنطنیه سرانجام سقوط کرد، در حال جنگیدن بر باروهای شهر جان باخت. پیکرش

هرگز به طور قطعی شناسایی نشد. مرگ او پایان امپراتوری روم را رقم زد (آخرین استمرار مستقیم آن امپراتوری که آگوستوس در سال ۲۷ پیش از میلاد بنیان نهاده بود).

او در تاریخ یونان و سنت ارتدوکس به عنوان شخصیتی قهرمان به یاد آورده می‌شود — و در افسانه‌ها غالباً «امپراتور مرمین» خوانده می‌شود (باور بر این است که او روزی بازخواهد گشت تا قسطنطنیه را نجات دهد).

یوحنا هشتم پالایولوگوس (1392-1448) دومین امپراتور واپسین بیزانس بود که از 1425 تا 1448 سلطنت کرد. او پسر ارشد امپراتور مانوئل دوم پالایولوگوس و برادر بزرگ‌تر کنستانتین یازدهم بود. یوحنا هشتم بیشتر دوران سلطنت خود را در تلاشی نومیدانه برای نجات امپراتوری رو به زوال بیزانس از عثمانیان سپری کرد. در سال 1439، او شخصاً به ایتالیا سفر کرد و ریاست شورای فلورانس را بر عهده داشت؛ جایی که او و هیئت ارتدوکس شرقی موقتاً با اتحاد مجدد با کلیسای کاتولیک رومی و پذیرش پاپ به عنوان رئیس کلیسا موافقت کردند. کنستانتین کبیر نیز بر شورای نیکیه ریاست کرده بود. یوحنا هشتم امید داشت که این اتحاد با دستگاه پاپی کمک نظامی غرب را علیه ترکان به همراه آورد، اما این اتحاد در قسطنطنیه با مخالفتی عمیق روبه‌رو شد و سرانجام ناکام ماند. یوحنا هشتم در سال 1448 (به علل طبیعی) درگذشت، تنها پنج سال پیش از آن که قسطنطنیه در 1453 سقوط کند. سپس برادرش کنستانتین یازدهم امپراتور شد و در حال دفاع از شهر جان باخت.

هنگامی که یوحنا هشتم در سال ۱۴۴۸ درگذشت، برادرش کنستانتین یازدهم به عنوان جانشین برگزیده شد. تا سال ۱۴۴۸، امپراتوری بیزانس به دولتی خراج‌گزار و بسیار کوچک تبدیل شده بود، و عثمانیان نفوذ قابل توجهی بر این‌که چه کسی بر تخت قسطنطنیه بنشیند، داشتند. در ۲۷ ژوئیه ۱۴۴۹، رویدادی سیاسی بسیار مهم در سال‌های پایانی امپراتوری بیزانس رخ داد. امپراتور بیزانس، یوحنا هشتم پالایولوگوس، پیش‌تر در سال ۱۴۴۸ درگذشته بود. برادر او، کنستانتین یازدهم پالایولوگوس (آخرین امپراتور)، در قسطنطنیه به امپراتوری اعلام شد. با این حال، پیش از آن‌که کنستانتین یازدهم رسماً بر تخت نشیند، سفیرانی نزد سلطان عثمانی (مراد دوم) فرستاد و درخواست اجازه سلطنت کرد. سلطان آن اجازه را اعطا کرد، و تنها پس از آن بود که کنستانتین یازدهم به طور رسمی تاج‌گذاری کرد و به عنوان امپراتور به رسمیت شناخته شد. این اقدام به منزله واگذاری داوطلبانه استقلال بیزانس تلقی شد. برای نخستین بار، یک امپراتور بیزانسی آشکارا اقرار کرد که تنها به اذن ترکان عثمانی فرمان می‌راند. فقط چهار سال بعد، در ۱۴۵۳، قسطنطنیه به دست عثمانیان سقوط کرد.

سیصد و نود و یک سال و پانزده روز پس از ۲۷ ژوئیه ۱۴۴۹، در ۱۱ اوت ۱۸۴۰، ترک‌ها با تسلیم شدن به چهار قدرت بزرگ اروپایی برای کسب حمایت در برابر مصر اقدام کردند و بدین سان نوبت یک ساعت روز و ماه و سال را به انجام رساندند. اکنون منطق لازم را برقرار ساخته‌ایم تا وای اول و دوم را بر قانون یکشنبه قریب‌الوقوع اعمال کنیم. پطرس، به عنوان نمادی از صد و چهل و چهار هزار، نماینده جنبش فرشته سوم است و ویلیام میلر نماینده جنبش در فرشته اول و دوم است. هر دو جنبش با «کلیدها» مرتبطاند.

و کلید خاندان داوود را بر شانه او خواهیم نهاد؛ پس او خواهد گشود و هیچ‌کس نخواهد بست؛ و او خواهد بست و هیچ‌کس نخواهد گشود. اشعیا ۲۲:۲۲.

و من نیز به تو می‌گویم که تو پطرس هستی، و بر این صخره کلیسای خود را بنا خواهیم کرد؛ و دروازه‌های هاویه بر آن استیلا نخواهد یافت. و کلیدهای ملکوت آسمان را به تو خواهیم داد؛ و آنچه بر زمین بندی، در آسمان بسته خواهد شد؛ و آنچه بر زمین بگشایی، در آسمان گشوده خواهد شد. متی 16:18، 19.

ما در مقاله بعدی، نبرد نینوا را به مثابه «کلید» بررسی خواهیم کرد؛ کلیدی که نه تنها هاویه را می‌گشاید، بلکه به عنوان کلید نبوی، تمام شهادت دانیال یازده را در نظمی کامل همسو می‌سازد. در رؤیای میلر، «کلیدی» که به صندوقچه متصل بود، همان روش مطالعه کتاب مقدس میلر بود. استناد متنی به تاریخ میلریتی، همراه با «حکم بر حکم» در تاریخ فرشته سوم، آن کلیدی است که به کلید مکاشفه ۹ امکان می‌دهد تا تاریخ پنهان پیام خارجی آیه چهل را بگشاید و در نظم قرار دهد.

تأملات خود را در مقاله بعدی ادامه خواهیم داد.

«برای نبی، چرخ در میان چرخ، و هیأت‌های موجودات زنده‌ای که با آنها مرتبط بودند، همه پیچیده و توضیح‌ناپذیر می‌نمود. اما دست حکمت لایتناهی در میان چرخ‌ها دیده می‌شود، و نظم کامل حاصل کار آن است. هر چرخ با هر چرخ دیگر در هماهنگی کامل عمل می‌کند.»
Testimonies to Ministers, 214